

تأملی در اصول اجتماعی

انجمن‌های دوازده قدمی*

- محمدمهدی ولی‌زاده^۱
- ابوالقاسم ولی‌زاده^۲

چکیده

انجمن‌های دوازده قدمی گمنام یک شاخه از معنویت‌های درمانگر محسوب می‌شوند که بر پایه اصول اخلاقی و روحانی به جذب و درمان افراد مبتلا به بیماری‌های اجتماعی از جمله اعتیاد رفتاری و مصرفی می‌پردازند. هدف از تحقیق پیش رو، بررسی انتقادی اصول اجتماعی مهم از قوانین این انجمن‌هاست. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - انتقادی، در گام نخست به استخراج چهار اصل اجتماعی از میان سنت‌ها که ماهیت جمعی دارند اقدام کرده سپس کوشیده تا ضمن تبیین این اصول و دسته‌بندی آنها در دو گروه اجتماع‌پذیر (اصل اتحاد و تمایل)، و اجتماع‌گریز (اصل مسائل بیرونی و گمنامی)، آنها را با روش نقد نظام فکری و مبانی زیربنایی، نقد و ارزیابی کند. همچنین آنها را با آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی اسلام مقایسه و نسبت‌سنجی نموده تا از خلط

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۰.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه معارف اسلامی و دانش آموخته سطح سه حوزه علمیه قم؛
(نویسنده مسئول) montazere14@gmail.com

۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه ارومیه a.valizadeh@urmia.ac.ir

مضامین به ظاهر پسندیده اخلاقی و روحانی انجمن با آموزه‌های اصیل دینی جلوگیری شود، نیز در صدد برآمده تا با نگاه آسیب‌شناسانه و به کمک متون نشریافته انجمن، اهداف پلورالیسمی و ضد دینی پشت پرده انجمن را نمایان ساخته و تحلیل کند. یافته‌های این تحقیق حاکی است که این انجمن‌ها با اینکه از سازمان‌های اجتماعی ملی هستند ولی اصول اجتماعی یاد شده آنها، آسیب‌زا بوده و مفهومی انحرافیافته از خط مبانی اجتماعی اسلام است. **واژگان کلیدی:** انجمن‌های گمنام، اصول اجتماعی، سنت‌های دوازده گانه، گمنامی، NA

مقدمه

امروزه جوامع مختلف با تأثر از بحران‌های زندگی ماشینی، شاهد شکل‌گیری و رواج روز افزون جنبش‌های نوپدید دینی و ناهمسو با دین، به همراه شعارهای معنوی و عرفانی هستند. پدید آمدن فرقه‌های معنوی و نحله‌های شبه عرفانی متعدد و اخذ و اقتباس برخی از محتواهای دینی و حتی ادعای همسویی با آموزه‌های دینی از جانب مؤسسان آنها، منجر به ایجاد ابهام و سرگردانی از ناحیه افراد پایبند به آموزه‌های اسلامی، نسبت به صحت این ادعاها گردیده است. از این‌رو شناخت لغزشگاه‌ها و تشخیص معنویت‌های نوپدید ضروری است.

معنویت‌های نوپدید^۱ از نظر گونه شناسی و مبتنی بر جهت‌گیری رفتاری در شش دسته جادویی، ورزشی، هنری، درمانی، جنسی و روان‌شناختی قابل توصیفند که از این میان، آیین‌های درمانگرا گسترده‌ترین و مشهورترین شاخه از آیین‌های عرفانی به شمار می‌آیند (شریفی دوست، ۱۳۹۲: ۳۲).

یکی از معنویت‌های نوپدید که در راستای درمان معضله‌های اخلاقی و اجتماعی و اختلال‌های روانی گام بر می‌دارند، انجمن‌های دوازده قدمی^۲ هستند. این انجمن‌ها بر پایه معنویت‌های درمانگر بنا شده‌اند و نقطه آغازین شکل‌گیری آنها به کمتر از یک صد سال گذشته می‌رسد.

1. New spiritualities
2. Twelve steps organization



نخستین بار، در سال ۱۹۳۵ میلادی در آمریکا، انجمن الکلی‌های گمنام (AA^۱) با هدف بهبودی الکلی‌هایی که سرانجامی جز مرگ نداشتند توسط دو مسیحی آمریکایی؛ بیل ویلسون^۲ و روبرت اسمیت^۳ تأسیس شد سپس با فاصله کمی، انجمن معتادان گمنام با نام اختصاری^۴ NA در سال ۱۹۵۳ میلادی شروع به کار کرد و اکنون با بیش از دو میلیون عضو در حال فعالیت است (پایگاه جهانی انگلیسی NA). تا کنون با اقتباس از روش الکلی‌های گمنام، در زمینه انواع اعتیاد، ناهنجاری‌ها، بیماری‌ها، مشکلات عاطفی و رفتاری و نظیر آنها، بیش از ۳۰۰ انجمن مختلف دوازده قدمی به وجود آمده است.

همه انجمن‌های گمنام به‌طور گسترده، اصول و رهنمودهای مشابهی را دنبال کرده و بهبودی از طریق کارکرد ۱۲ قدم^۵ را پیشنهاد می‌نمایند (هاشمی، ۱۳۹۵: ۲۲۳)؛ اعضای انجمن‌ها، رهایی خود را با به‌کارگیری ۱۲ قدم بهبودی که یک سیر و سلوک معنوی درونی است و در دنیا با نام فلسفه^۶ یا برنامه دوازده قدمی^۷ شناخته می‌شود به‌دست می‌آورند.

محور کلیدی این سازمان در این است که با تمرکز بر اصلی‌ترین معضل‌های اجتماعی که آنها را بیماری می‌پندارد و توجه به مبتلایانی که ضعیف‌ترین و تأثیر پذیرترین افراد جامعه‌اند، اعتماد و توجه آنها را جلب کرده و تحت برنامه‌های خود در می‌آورد و با ارائه آموزه‌های معنوی و اصول روحانی و مشورت‌هایی جهت زندگی درست، در تلاش است با تغییر دادن روش زندگی افراد و نگرش آنها به زندگی، درمان روحی تحقق یابد و با التزام عملی به قدم‌های معنوی و سنت‌های دوازده گانه، بیمار همواره در مسیر بهبودی قدم بردارد (Green, Fullilove, Fullilive, 1998: 331؛ علی‌پوری نیا، ۱۳۸۸: ۳؛ انجمن معتادان گمنام ب، بی تا: ۷۴). بنابراین هدف درمانی، منحصر در ترک

1. Alcoholics Anonymous
2. Bill Wilson, William Griffith Wilson
3. Robert smith
4. Narcotics Anonymous
5. Twelve steps
6. Twelve step philosophy
7. Twelve Step Programs (facilitation)

اعتیاد نیست (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۹۲: ۱۰۷ و ۱۰۸؛ Friedman: 2006).

به‌طور طبیعی، با مطالعه تاریخچه شکل‌گیری انجمن و مشاهده عملکرد آن با چنین پرسش‌هایی روبه‌رو می‌شویم که اندیشه‌های زیربنایی برنامه‌های انجمن چیست؟ قدم‌ها و سنت‌های انجمن در پی چه چیزی‌اند و چرا انجمن، اعضایش را به رعایت آنها ملزم می‌کند؟ چه اغراضی در پشت برنامه‌ها و اصول انجمن نهفته است؟ آموزه‌های برخاسته از سنت‌های دوازده گانه، چه نسبتی با تعالیم اسلام دارند؟ به‌نظر می‌رسد یکی از اساسی‌ترین محورهای زمینه‌ساز برای تحقق اهداف مکاتب معنوی و عرفانی، حفظ حیات اجتماعی آن مکتب و ایجاد امنیت اجتماعی برای اعضای آن با قرار دادن قوانین درون‌سازمانی است. با یک مطالعه سطحی، می‌توان عصاره این قوانین را در چهار سنت انجمن مشاهده کرد: این چهار سنت مشتمل بر چهار اصل اجتماعی به نام «اتحاد»، «تمایل»، «مسائل بیرونی» و «گمنامی» است که تحقق اهداف هر مکتبی را آسان می‌سازند. از این‌رو تحلیل و بررسی ابعاد این اصل‌ها، نقش بسزایی در شناخت ابعاد اجتماعی این عرفان نوپدید و مقابله با اهداف درون برنامه‌ای آن دارد.

جستار حاضر در صدد است به پرسش از «نسبت اتحاد، تمایل، مسائل بیرونی و گمنامی با آموزه‌های دینی و هدف از آنها در برنامه انجمن»، پاسخ علمی و مستدل ارائه دهد و به آسیب‌شناسی علمی، دینی و اجتماعی باورهای این جنبش اجتماعی نوپدید بپردازد.

در زمینه انجمن‌های دوازده قدمی، تا کنون بیش از پنجاه مقاله و پایان‌نامه داخلی و خارجی نگاشته شده است و هر یک از آنها زاویه‌ای از موضوع را بررسی کرده‌اند. اکثر این تحقیقات به بررسی برنامه و روش درمانی انجمن پرداخته‌اند؛ هدف اصلی آنها ارزیابی موفقیت روش درمانی انجمن، روش جذب آن و نتایج آن بوده است و مبانی نظری و عملی انجمن را مورد توجه قرار نداده‌اند.

از این میان، مقاله معتادان گمنام: گمنامی، تحسین و پرستیژ در یک جامعه طاغوتی، جفری و اسنایدر دانیل و یک مطالعه آزمایشی: مکان کنترل و اعتقادات معنوی در اعضای بازیابی AA و SMART، اریک، فیفر و استرحام، به نقد و آسیب

شناسی برخی از سنن انجمن پرداخته‌اند و دو پژوهش، برنامه‌های انجمن را با آموزه‌های اسلامی مقایسه و تطبیق نموده‌اند: بررسی تطبیقی قدم‌های دوازده گانه گروه معنادان گمنام (NA) با اصول و تعالیم اسلامی، حامده خادم جهرمی و رحیم رئوفی و دیگران و پایان نامه بررسی مباحث انجمن NA و تطبیق آن با مباحث اسلامی، اسماعیل توکلی؛ اما کاستی عمده آنها عبارت است از اینکه: (۱) زیرساخت‌های اصلی فکری انجمن را مورد انتقاد قرار نداده‌اند، (۲) توجه تامی به بحث سنت‌ها نداشته‌اند، (۳) در مقام مقایسه مستدل با آموزه‌های اسلام نبوده‌اند، (۴) برخی از آنها به آسیب شناسی اکتفا کرده‌اند، (۵) برخی از آنها مطابقت برنامه‌های انجمن با اصول اسلامی را نتیجه گرفته‌اند ولی این ناشی از عدم آشنایی با اهداف انجمن یا عدم درک کامل آموزه‌های اسلام است و (۶) اساساً بر چهار اصل «اتحاد»، «تمایل»، «مسائل بیرونی» و «گمنامی» در سنت‌ها، تمرکز کافی مبذول نداشته‌اند. درحالی‌که غرض این پژوهش، ارزیابی و تحلیل انتقادی سنت‌های اجتماعی انجمن‌های گمنام، آسیب شناسی علمی و دینی آنها، کشف اهداف نهفته آنها و مطالعه مقایسه‌ای با باورهای اسلامی است.

۱. سنت‌ها

سنت‌های انجمن‌های دوازده قدمی در سال ۱۹۴۶ میلادی پس از کش و قوس‌های فراوانی که انجمن الکلی‌های گمنام را تهدید به نابودی می‌کرد به وجود آمدند (انجمن معنادان گمنام الف، بی تا: ۳۸). بنابراین خواستگاه سنت‌ها، مقطع نابودی انجمن بوده و تنها به‌خاطر حفظ انجمن ایجاد شده‌اند.

سنت‌ها چارچوب پایداری برای اداره انجمن هستند و انجمن ممکن است بیشتر از قدم‌ها، به‌خاطر سنت‌هایش به یاد بیاید؛ زیرا سنت‌ها آن را از قربانی شدن منابع مختلف پتانسیل باز داشته‌اند (Krentzman & ather, 2011: 81).

تفاوت اصلی سنت‌ها با قدم‌ها در این است که سنت‌ها اصول گروهی و مجموعه‌ای‌اند تا گروه و انجمن حفظ شود و قدم‌ها اصول فردی و شخصی تا شخصیت و باور فرد ساخته شود؛ از این رو اکثر سنت‌ها دارای ماهیت اجتماعی هستند.

از آنجا که سنت‌های دوازده گانه، از مهم‌ترین افکار زیربنایی و به منزله باورهای

کلامی انجمن‌های گمنامند به نظر می‌رسد بررسی و ارزیابی نظری و عملی آنها با رویکرد دینی و اجتماعی، اولویت دارد گرچه افراد بسیاری در ایران و جهان، زیر نظر این برنامه وارد چرخه درمان می‌شوند و با نگرش اولی، تعارضی میان آموزه‌های انجمن و تعالیم دینی نمی‌یابند.

پژوهش پیش رو، از میان سنت‌های دوازده گانه، سنت اول، سوم، دهم و دوازدهم را برگزیده و به تبیین و تحلیل چهار اصل برگرفته از آنها می‌پردازد؛ زیرا می‌توان عصاره قوانین اجتماعی انجمن را در این چهار سنت مشاهده کرد؛ این چهار سنت مشتمل بر چهار اصل اجتماعی به نام «اتحاد»، «تمایل»، «مسائل بیرونی» و «گمنامی» است که تحقق اهداف هر مکتبی را آسان می‌سازد. البته باید توجه داشت که منظور از اجتماعی بودن این اصول، لزوماً پذیرش اجتماع و گرایش به جمع نیست بلکه هر اصلی که تناسب و ارتباطی با گروه، جامعه و کار تشکیلاتی و اجتماعی دارد، اصل اجتماعی تلقی شده است هر چند به خاطر فرار از اجتماع و پرهیز از موضوعات اجتماعی و اشتها در جامعه، رقم خورده باشد. به همین دلیل، تحقیق حاضر، اصول اجتماعی را در دو دسته اجتماع پذیر و اجتماع گریز، تقسیم بندی نموده و مورد واکاوی قرار می‌دهد.

۲. اصول اجتماع پذیر (اصل اتحاد)

۲-۱- تبیین اصل

متن سنت اول چنین است: «منافع مشترک ما باید در رأس قرار گیرد، بهبودی شخصی به اتحاد^۱ اعضای انجمن بستگی دارد» (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۹۲: ۶۱). مفهوم محوری این اصل، لزوم اتحاد و هم بستگی است؛ سنت نخست بیانگر آن است که بقای معتاد بستگی به بقای گروه و انجمن دارد و بقای انجمن بستگی به اتحاد و تلاش برای منافع مشترک دارد و الا انجمن از هم پاشیده شده و فرد نابود می‌شود. هم گروه برای فرد با ارزش است و هم فرد برای گروه. کسی که عضویت

1. consensus, unity

فعالانه خود را در این گروه ادامه ندهد با راه پر مخاطره‌ای روبه‌رو می‌شود (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۹۲: ۶۱ و ۶۲)، اعضاء برای بقای خود محتاج پشتیبانی انجمن هستند و انجمن برای بقای خود محتاج پشتیبانی اعضاست (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۸۳: ۱۲۳). حفظ منافع مشترک در گروه وحدت است و وحدت، در نتیجه همکاری اعضاء و نیز نحوه ارتباط و معاشرت آنها حاصل می‌شود (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۸۳: ۱۲۶). وحدت در جلسات به معنای اطمینان دسته جمعی به اصول روحانی و نیروی برتر است (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۸۳: ۱۲۴)، زیرا هرچه اعتماد بیشتر باشد روحیه تسلیم و پذیرش و تعهد تقویت می‌شود و گذشتن از منافع شخصی آسان تر است (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۸۳: ۱۲۸).

۲-۲- نقد و ارزیابی

۲-۲-۱- مقایسه با آموزه‌های اسلامی همسو

ممکن است در نگاه نخست، گمان شود اصل اتحاد و مشارکت به خودی خود، موافق با آموزه‌های دینی است چنانکه حضرت امیر علیه السلام می‌فرماید: «فإن جماعة فیما تکرهون من الحق خیر من فرقة فیما تحبون من الباطل»، اتفاق در آنچه که از حق میل ندارید از تفرقه در آنچه از باطل دوست دارید بهتر است (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶)، «الزموا الجماعة واجتنبوا الفرقة»، ملازم با جماعت باشید و از تفرقه اجتناب کنید (آمدی، ۱۳۶۶: ح ۱۰۷۱۵). چنانکه در یافته‌های اخلاقی - روانشناختی نیز وابستگی به گروه، هم‌گرایی و در نظر گرفتن منافع مشترک، از شاخصه‌های روان‌شناختی شخص اخلاقی شناخته شده‌اند.^۱

ولی باید گفت: با توجه به اینکه انجمن تأکید بر فداکردن منافع فردی در مقابل منافع جمعی - که همان مصالح انجمن است - می‌کند، به نظر می‌رسد این اتحاد و مشارکت، خودشکنی و ذلت فردی را نشانه گرفته است؛ این سنت از معتاد می‌خواهد تا خود را در درجه دوم قرار دهد و گروه را بر خود و خواسته‌های شخصی اش مقدم کند

۱. امیل دورکیم در کتاب تربیت اخلاقی (۱۹۲۵م) Emile Durkheim - moral education.

یعنی به مفهوم فروتنی و خدمت بلاعوض ملتزم باشد (پایگاه انجمن افسردگان گمنام، کارگاه سنت).

کتب انجمن می‌گویند: «هر یک از اعضاء فقط جزء کوچکی از کل است لذا انجمن باید به حیات خود ادامه دهد و إلا اکثر اعضاء خواهند مُرد» (انجمن الکلی‌های گمنام، ۱۹۹۳: ۲۰۷)؛ بیل ویلسون نیز می‌نویسد: «یا مراحل را کار کنید یا بمیرید» (Wilson, 1953: 174)؛ هرچه اعتماد به انجمن بیشتر باشد روحیهٔ تسلیم و پذیرش تقویت می‌شود و گذشتن از منافع شخصی آسان‌تر است (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۸۳: ۱۲۸).

تسلیم و فروتنی و مقدم کردن دیگران در اینجا به معنای تواضع و ایثار و از خود گذشتگی یاد شده در آموزه‌های اسلامی نیست بلکه ذلت و خودشکنی و سکوت و دم فرو بستن و بی تفاوتی را به بار می‌آورد که در دین اسلام شدیداً نکوهیده و مذموم است، در تطبیق مصادیق نباید میان ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها یعنی میان ذلت و تواضع و میان ایثار و خود شکنی و خود کم بینی خلط کرد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ما أقبَحَ بالمؤمن أن تكون له رغبةٌ تُذَلِّه» چقدر زشت است که مؤمن علاقه‌ای داشته باشد که او را ذلیل کند (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۲۰/۲).

این نوع از فروتنی، برگرفته از تصوّف و تواضع مسیحیت است؛ به سفارش آیین مسیحیت، نباید در مقابل کسی که برخورد ناشایستی نموده، هیچ عکس‌عملی نشان داد و باید به دوست و دشمن محبت کرد و این نشان از تواضع کامل است.

اجرای عملی این مکانیزم در نفس انسان به شکلی است که نتیجه کار را بپذیرد، از حقوق خود بگذرد، آسیب‌ها را قبول کند و از عزت و کرامت نفس دور شود. نگاه تک‌بُعدی و تساهل و تسامح در زندگی، بسیار مضرّ است.

تسلیم و پیروی محض از دستورات از روی اجبار، دور از اخلاق است زیرا عمل اخلاقی باید آگاهانه و به‌عنوان وظیفه انجام شود.

مشارکت سبب سکوت و توجه حضار و تشویق آنها می‌شود لذا احساس خوب رهایی از ترس و آشفتگی پیدا می‌کند ولی در واقع وجدان خود را سرکوب کرده و احساس گناه گذشته را از بین می‌برد.

ذلت‌پذیری و انجام امور منافی عزت، به شدت در روایات معصومین علیهم السلام نهی شده

است و نیز ایشان مرزهای تواضع را بیان داشته‌اند «طوبی لمن تواضع لله فی غیر منقصة و أذلّ نفسه فی غیر مسکنة»، خوشا به حال کسی که برای خدا فروتنی کند بدون پستی و نفسش را ذلیل کند بدون مسکینی و خواری (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۳۹).

حضرت امیر علیه السلام فرموده‌اند: «أکریم نفسک عن دئیة و ان ساقطک الی الرغائب»، نفست را از پستی‌ها دور کن و گرامی بدار هرچند تو را به آرزوهایت برساند (نهج البلاغه، نامه ۳۱)، امام صادق علیه السلام نیز در حدیثی می‌فرماید: «ان الله تبارک و تعالی فوّض الی المؤمن کلّ شیء الا إذلال نفسه»، خداوند همه چیز را به بنده مؤمن واگذار کرده به جز خوار کردن نفسش (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۳/۵).

۲-۲-۲- هدف شناسی

بررسی جوانب این اصل نشان می‌دهد که هدف از این سنت، القای این معناست که تداوم بهبودی منحصر در بقاء NA است؛ روح کلی حاکم بر این سنت، وابسته کردن و محتاج نگه داشتن دائمی معتادان به جلسات و انجمن است و هدف از آن بقای گروه‌های تشکیل شده و تداوم عضویت اعضای گروه است تا همواره از حمایت‌های معرفتی و معنوی انجمن استفاده کنند بنابراین روند برنامه انجمن از اعتیاد مصرفی یا رفتاری آغاز می‌شود و به اعتیاد به جلسات ختم می‌شود و مسیر بهبودی نامتناهی و مادام‌العمر است زیرا روند رشد معنوی^۱، آهسته و طولانی است لذا باید برنامه‌ای هم تدوین کرد تا مشکل اعتیاد به جلسه حل شود.

همچنین ایجاد حس مسئولیت و تعهد‌پذیری و خدمت به اجتماع گرچه فی نفسه امری پسندیده و مورد سفارش دین است ولی در اینجا نه به‌خاطر کمک به معتاد و دلسوزی برای اوست بلکه سود آن عائد انجمن می‌شود و در واقع، انجمن، نیروهایی را تربیت می‌کند تا اهداف انجمن را به‌صورت رایگان پیاده کنند؛ جذب بیماران دیگر و خدمت به آنها و انتقال تجربیات به آنها از ایشان انتظار می‌رود تا دامنه فعالیت انجمن گسترش یابد.

این هدف ضمنی، زمانی محسوس‌تر می‌شود که علی‌رغم اینکه این سنت منجر به

1. spiritual growth

خودشکنی و ذلت فرد می‌شود ولی انجمن چنین القاء می‌کند که هرچه کوچک بودن و ناتوانی خود را احساس کنید بیشتر در معنویت رشد می‌کنید و در واقع، منجر به سلب مقاومت فرد می‌شود (Orange, 2011).

۲-۳- اصل تمایل

۲-۳-۱- تبیین اصل

در سنت سوم انجمن چنین آمده است: «تنها لازمه عضویت، تمایل به قطع مصرف^۱ می‌باشد» (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۹۲: ۶۴).

بر اساس سنت فوق، این اصل استخراج می‌شود که تمایل، کلید اصلی و اساس بهبودی معتاد است و إلا دست از عادتش بر نمی‌دارد. هیچ شرط دیگری برای عضویت معتاد در انجمن وجود ندارد (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۹۲: ۶۴ و ۶۵) و هرگز به پول یا تمکن بستگی ندارد (انجمن الکلی‌های گمنام، ۱۹۹۳: ۲۰۷).

انجمن بدون دریافت حق عضویت، هر کس را که تمایل به ترک مصرف دارد به عضویت می‌پذیرد (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۹۲: ۹)، و به هیچ کسی که تمایل به بهبودی دارد جواب رد داده نخواهد شد (انجمن الکلی‌های گمنام، ۱۹۹۳: ۲۰۷)، البته تمایل، کلید ورود به انجمن است و برای عضویت، کافی است نه برای پاک ماندن.

پیام انجمن آن قدر فراگیر است که توجه همه افراد از هر طبقه و جامعه و ملیتی را جلب می‌کند (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۸۳: ۱۴۲)، زیرا تضمین کننده آزادی همه اعضاست و به همه معتادان، فرصت بهبودی را می‌دهد (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۸۳: ۱۴۸).

این سنت مانع از قضاوت زود هنگام و تصمیم‌گیری در مورد صلاحیت یا عدم صلاحیت شخص داوطلب برای بهبودی است (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۸۵: ۱۴۲)، حتی اگر برخی از اعضای گروه مشغول به مصرف مواد باشند، شما حق قضاوت یا دخالت ندارید زیرا وی تمایل به قطع مصرف دارد.

1. desire to stop using

۲-۳-۲- نقد و ارزیابی

الف. مقایسه با اصول اسلامی

چنانکه بیان شد، انجمن دوازده قدمی دارای شاخه‌های متعددی است. برخی از رفتارهایی که انجمن‌ها در راستای بهبودی آنها قدم برمی دارند، بیماری محسوب می‌شوند مانند افسردگی و وابستگی، برخی نیز قطعاً جرم‌اند مانند مصرف الکل و قماربازی. اما در برخی از رفتارها نظر یکسانی وجود ندارد.

در ماهیت اعتیاد به مواد مخدر دو نظریه متفاوت وجود دارد؛ برخی آن را جرم می‌دانند و برخی بیماری می‌پندارند. گرچه ارزیابی تمایل باید جداگانه طبق هر یک از این دو مبنا انجام شود ولی به نظر می‌رسد در هر دو فرض، وا گذاشتن شخص معتاد به خود خطاست.

۱. اگر بپذیریم که اعتیاد یک بیماری است^۱، منوط کردن درمان به اصل تمایل مورد پذیرش نیست زیرا اجبار معتاد به درمان، گرچه ممکن است مخالف قاعده تسلیط «الناس مسلطون علی انفسهم»، هر کس بر نفس خویش مسلط است، تلقی شود چون به مقتضای این قاعده، هیچ کس حق تصرف در جان او را ندارد و مالکیت ذاتی بر نفس خویش دارد. ولی بر فرض پذیرش ادله این قاعده، اطلاق آیات ﴿تعاونوا علی البرّ و التقوی﴾ (مائده/۲)، همدیگر را بر نیکی و پرهیزکاری یاری کنید ﴿من أحيها فكأنما أحيأ الناس جميعا﴾ (مائده/۳۲)، هر کس یک نفر را زنده گرداند گویا همه مردم را زنده کرده است و ﴿لا تلقوا بأیدیکم الی التهلکة﴾ (بقره/۱۹۵)، خود را با دستانتان به هلاکت نیفکنید و نیز قاعده حرمت اضرار به نفس و روایت «من أصبح لا یهتمّ بأمور المسلمین فلیس منهم» هر کس صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نرزد از مسلمانان نیست (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۴/۲)، و قاعده فقهی احسان^۲ «ما علی المحسنین من سیل»، دارای لسان حکومتند و می‌توان آنها را حاکم بر قاعده تسلیط دانست و در نتیجه نظر به محتوای مجموع آنها، مشروعیت اجبار بر درمان با

1. disease nature of addiction could

۲. احسان شامل جلب منفعت و دفع ضرر می‌شود

وجود عدم تمایل بیمار، قابل اثبات است (کیخا، ۱۳۹۸: ۱۷۳ - ۱۸۰). حتی در برخی مصادیق می‌توان حکم تکلیفی درمان بیماری که در معرض هلاکت است را وجوب دانست زیرا به وضوح، حفظ نفس محترمه و انقاذ نفس مشرف بر هلاکت واجب است (قاسمی، ۱۳۹۵: ۲۱۵ و ۲۱۶).

مبنای حریم خصوصی افراد و عدم جواز تجسس در ابعاد مختلف دین (فقه، حقوق، سیاست، عرفان و...)، نیز گرچه ثابت شده و مسلم است و قلمرو وجوب نهی از منکر و امر به معروف، شامل حریم شخصی افراد نمی‌شود اما مسئولیت تأمین امنیت و منافع عمومی و تقدم مصلحت عمومی بر حریم خصوصی، جلوگیری از گسترش فساد اجتماعی، دلیل قاطعی بر جواز تجسس از مجرمان و مختل کنندگان امنیت اجتماعی است.^۱

۲. اگر هم اعتیاد را جرم بدانیم چنانکه همین نظر صحیح است می‌گوییم: امنیت، آرامش و نظم جامعه بسیار اهمیت داشته و مورد تأکید دین اسلام است لذا همه تمهیدات و احکام فقهی و قوانین حقوقی و کیفری اسلامی در راستای پیشگیری یا اصلاح وقوع جرم قرار گرفته‌اند.

در نظام حقوقی ایران^۲، اعتیاد، جرم دانسته شده؛ زیرا اعتیاد، ضرر رساندن به جسم خود و نیز مصداق اسراف است که هر دو از لحاظ فقهی حرام‌اند لذا اعتیاد از دیدگاه اسلام، جرم خواهد بود، علاوه بر اینکه رفتارهای بزهکارانه ناشی از اعتیاد، آسیب اجتماعی مخربی است که عموماً جرم تلقی می‌شوند؛ بیماری دانستن اعتیاد باعث می‌شود که تدبیر جامعه برای بهبودی افراد کم‌رنگ شود، مقابله و مجازات بر رفتار ناشایست کاهش یابد و در پی آن بازدارندگی کمتر شود، زشتی رفتار از بین برود، عذاب وجدان و پشیمانی خاموش شود و ادعای حق و حقوق برای افراد مبتلا به وجود

۱. ر. ک: مبانی حریم خصوصی (محمد سروش، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۹۳)، و تجسس (محمد حسن حائری، دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۱)، دانشنامه فقه پزشکی جلد ۲ (محمد علی قاسمی، مرکز فقهی ائمه اطهار، ۱۳۹۵)، و آشنایی مبانی فقهی تحقیق و تفحص (مهدی وفاجو، نصاب، ۱۳۹۱).

۲. ماده ۱۵ قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر

آید، در این صورت به جای برخورد تأدیبی و مجازاتی، رفتارهای فرد معتاد، غیر عمدی و پیامد بیماری او تلقی می‌شود لذا فرد به جای پیشمانی و تألمات درونی، توقع مسئولیت درمانش را از جامعه دارد و به رفتارش ادامه می‌دهد.

البته شاید تصور شود که جرم انگاری اعتیاد و درمان اجباری آن، فرصت درمان معتادان را سلب می‌کند زیرا برای بهبودی یافتن، طی دو مرحله لازم است:

۱. ایجاد انگیزه برای درمان ۲. ماندگاری در درمان؛ با تهدید معتادان و اجبار آنها بر درمان، این دو مرحله حاصل نمی‌شود. از این سو، طرح‌های درمان اجباری معتادان که در کشورهای متعدد اجرا شده، موفق نبوده و خروجی اندکی داشته‌اند گرچه این مدعا نیازمند یک تحقیق میدانی است تا اعتبار و پایایی آن مشخص شود. از این سو، سنت‌های انجمن با یافته‌های عدالت ترمیمی منطبق دانسته شده است (معظمی، ۱۳۸۸: ۱۲۱).

عناصر عدالت ترمیمی عبارتند از: ۱. شرکت داوطلبانه مجرم ۲. حمایت از مجرم ۳. غیرعلنی و محرمانه بودن (شیری، ۱۳۸۵: ۲۳۱).
اما در پاسخ به شبهه یادشده می‌توان چنین گفت:

میل به مصرف مواد، اصلی ترین عامل ماندگاری در اعتیاد است بنابراین مادامی که این میل فروکش نکند و تمایل به قطع مصرف ایجاد نشود، آغاز کردن مراحل درمان، بی نتیجه است. از این رو می‌پذیریم که شرط لازم برای عضویت در هر گروه متصدی درمان، تمایل به قطع مصرف است اما باید توجه داشت که جامعه نسبت به این افراد، مسئولیت دارد و واگذاری آنها به خودشان شرعی و اخلاقی نیست؛ زمینه سازی برای به وجود آمدن تمایل و ایجاد بستر مناسب برای درمان، یکی از این وظایف است زیرا خود فرد معتاد معمولاً تمایلی به ورود به دوره درمانی و پذیرش تغییر ندارد یا از انجام این کار ناتوان است.

به طور کلی افراد جامعه با دو روش کنترل می‌شوند: ۱. نظارت بیرونی که از طریق احکام جزایی و انواع مجازات‌ها صورت می‌پذیرد ۲. نظارت درونی که از طریق باورهای اعتقادی تحقق می‌یابد و تأثیر بیشتری دارد (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۵۴۵/۲).
گرچه جرم انگاری اعتیاد ممکن است در نگاه نخست، نقش طرد کنندگی داشته

باشد ولی دیدگاه اسلام با وجود تشریح حدود و تعزیرات متعدد نسبت مجرمان و متخلفان، حفظ شأن و کرامت انسانی است. جرم انگاری و وضع قوانین تنبیهی نه تنها در پیشگیری از وقوع جرم و جرم زدایی در جامعه مؤثر است بلکه زمینه اصلاح فرد مرتکب جرم به خصوص معتاد متجاهر را نیز فراهم می‌کند. علاوه بر این، اگر در پیشگیری و درمان اعتیاد از روش‌های اخلاقی، بینشی و انگیزشی اسلام، بهره گرفته شود نیازی به اجبار و تهدید هم نخواهد بود.

بر این اساس تمایل، شرط لازم بوده ولی کافی نیست چه اعتیاد، جرم باشد چه بیماری تلقی شود؛ گرچه انجمن تصریح کرده که تمایل برای عضویت، شرط کافی است نه برای پاک شدن، اما از مطالب گذشته به دست می‌آید که این اصل نه تنها برای پاک شدن، کافی نیست بلکه برای عضویت نیز کافی به نظر نمی‌رسد و نیاز به وضع شرایط و قوانین الزام آور احساس می‌شود.

به دیگر سخن، اگر منظور از تمایل، معنای شرطی برای فعل ما باشد یعنی تا خود معتاد مایل نباشد نمی‌توان او را مجبور به ترک اعتیاد کرد، این شرط پذیرفته نیست ولی اگر معنای شرطی آن برای انفعال خود معتاد اراده شده باشد یعنی تا خود معتاد نخواهد نمی‌تواند اعتیاد را ترک کند، در این صورت، شرط لازمی است ولی به هیچ وجه کافی نیست.

از همین رو بر اساس مواد ۱۵ و ۱۶ قانون ابلاغی مجمع تشخیص مصلحت نظام، چنین مقرر شده که معتادان باید به دو صورت اختیاری و اجباری در مراکز ترک اعتیاد مورد پذیرش و درمان واقع شوند.

ب. آسیب شناسی

این اصل زمینه ساز آزادی همه اعضاست (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۸۳: ۱۴۸)، و مانع از قضاوت زود هنگام و تصمیم گیری در مورد صلاحیت یا عدم صلاحیت شخص داوطلب برای بهبودی است (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۸۵: ۱۴۲).

اگر انجام فعل و ترک آن، به میل و تمایل شخصی فرد واگذاشته شود و باید و نباید قانونی حاکم نباشد سلامت فرد و جامعه به خطر خواهد افتاد و هر گاه خواست دست به انجام هر کاری می‌زند بدون اینکه کسی حق دخالت داشته باشد؛ قانون‌های

اجباری موجب حفظ سلامت و امنیت جامعه می‌شوند، اصل تمایل و اختیار تا جایی کاربرد دارد که وارد قلمرو جامعه نشود؛ در واقع این اصل، بی تفاوتی را در جامعه رواج می‌دهد.

تمایل، واژه ایست که نشان از قدرت و اختیار فعل و ترک دارد، معتادی که با این واژه مواجه می‌شود این باور را پیدا می‌کند که کسی حق دخالت و اجبار و واکنش منفی نسبت به عملکرد او ندارد، این باور پیامدهای منفی جبران ناپذیری بر جامعه انسانی مترتب می‌کند؛ انحطاط و بی تفاوتی و عدم امنیت اجتماعی از جمله این پیامدهاست.

سنت تمایل، یک ویژگی غیر معمول سازمانی است؛ بیشتر سازمان‌های سیاسی، مذهبی و غیر ارادی، مرز مشخصی بین عضویت و عدم عضویت دارند. باز بودن عضویت و حضور در جلسات، گاه باعث ایجاد مشکلات در مدیریت جلسات می‌شود (روم و دیگران، ۱۹۹۳: ۱۷۳).

اگر تمایل، تنها وجه اشتراک اعضای انجمن باشد و اهرمی برای یکسان شماری اعضا شناخته شود، بسیار آسیب‌زا است؛ در برخی مراحل درمانی باید از سابقه فرد معتاد کسب اطلاع شود زیرا سابقه تحصیلی، اعتقادی، مذهبی، خانوادگی، شغلی، ویژگی‌ها و... می‌تواند در روش درمان و کمیت و کیفیت آن اثرگذار باشد و می‌توان افراد را بر اساس این معیارها گروه بندی نمود.

ج. هدف شناسی

اصل تمایل آن قدر فراگیر است که توجه همه افراد از هر طبقه و جامعه و ملیتی را جلب می‌کند (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۸۳: ۱۴۲)، زیرا تضمین کننده آزادی همه اعضاست و به همه معتادان، فرصت بهبودی را می‌دهد (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۸۳: ۱۴۸). پذیرش عضو بدون هیچ شرط و محدودیت، تقویت کننده این احتمال است که هدف انجمن، تنها جذب است تا برنامه‌های خود را پیاده کند یعنی درب آن به روی همه باز است؛ این شاهدهی قوی بر تکرر گرایی و پلورالیسم^۱ انجمن است تا بتواند با

1. Pluralism

معنویت‌ها و طرفداران مختلف، وفق داشته باشد.

مثلا در کتاب عملکرد آمده است: «سنت سوم مشوق ما در خوش آمد گویی به معتادان است و این خود سبب رشد و گسترش NA می‌گردد» (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۸۳: ۱۴۲).

در حقیقت تمایل، ابزاری است برای جذب اعضاء و ساکت کردن صدای مخالفت، زیرا هر معتاد در گذشته در معرض امر و نهی و اکراه‌های فراوان از سوی اطرافیان بوده و از این جهت رنج می‌برده است لذا با مواجهه با اصل تمایل و واگذاشتن به میل خود، به عضویت در گروه علاقه پیدا می‌کند (دوازده قدمی‌ها: ۹۷/۷/۸)؛ وقتی تمایل، تنها شرط عضویت باشد هر معتاد از هر قشر و گروهی شرایط عضویت را خواهد داشت و هیچ محدودیتی در کار نیست.

۳. اصول اجتماع گریز (مسائل بیرونی)

۳-۱- تبیین اصل

در سنت دهم چنین آمده است: «انجمن هیچ عقیده‌ای در مورد موضوعات خارجی ندارد بنابراین نام انجمن هرگز نباید به بحث اجتماعی کشانده شود» (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۹۲: ۷۲).

پیشرفت انجمن و رسیدن به هدف روحانی وابسته به نام نیک و محترم انجمن است تا معتادان آن را بشناسند و به سراغ انجمن بیایند یا مردم، معتادان را به سراغ انجمن بفرستند. ورود در جنجال‌های سیاسی، موقعیت انجمن را به خطر می‌اندازد و موضع بی طرفی به خاطر بقای انجمن است (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۹۲: ۷۳ و ۷۴).

معتادان بخصوص در مسائل سیاسی و فرقه‌های مذهبی، با هیچ کس هیچ گونه مخالفتی ندارند و هیچ گونه عقیده‌ای ابراز نمی‌کنند (انجمن الکلی‌های گمنام، ۱۹۹۳: ۲۱۰). این سنت بر این اساس بنا شده که مسائل را ساده نگه دارید و از مسائل بحث برانگیز که ربطی به هدف اصلی ما ندارد پرهیز کنید زیرا منجر به اذیت اعضاء دیگر یا مشاجره میان آنها شده و مانع از بهبودی می‌شود (انجمن معتادان گمنام الف، بی تا: ۴۵). و زندگی معتاد در

حال بهبودی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۸۳: ۱۹۵ و ۱۹۶). همچنین در برخی موارد، مردم فکر می‌کنند هر چه یک عضو انجمن می‌گوید عقیده رسمی انجمن است (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۸۳: ۱۹۵)، لذا باید اعضاء جنبه احتیاط و بی‌طرفی را رعایت کنند (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۸۳: ۱۹۸).

۳-۲- نقد و ارزیابی

انجمن مدعی است که به وسیله یک الهام برتر رهنمون شده است (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۹۲: ص xiv)، و می‌گوید: برنامه ما یک برنامه معنوی و روحانی است نه مذهبی^۱ و لزومی ندارد که معتادان مذهبی باشند (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۹۲: ۴۵ و ۲۵). بدون تردید، بی‌تفاوتی نسبت به اجتماع و سیاست یکی از آموزه‌های مسیحیت نوین است و با دین اسلام سازگاری ندارد؛ در دین اسلام، سیاست عین دیانت بوده و هیچ تنافی با هم ندارند. ورود به مباحث اجتماعی و تعامل با اجتماع در عین دینداری، از توصیه‌های اسلام است. سیره علمی و عملی معصومان علیهم‌السلام و بزرگان دین شاهد قوی بر این مدعاست.^۲

بر عکس مسیحیت که در جنبه‌های سیاسی توصیه و رویکرد خاصی ندارد و آموزه‌های آن فاقد مؤلفه‌های سیاسی است و صرفاً توجّهش به زندگی معنوی و رستگاری اخروی می‌باشد (بستانی، ۱۳۸۵: ۸۷؛ عنایت، ۱۳۷۷: ۱۳۱)، و شاید بتوان آن را خالی از سبک زندگی اجتماعی دانست.

البته اگر درمان دوره‌ای و مقطعی باشد یا صرفاً سفارش کلی انجمن باشد، دوری از سیاست، مشکلی ایجاد نمی‌کند بلکه زمینه ساز بهبودی است ولی شرکت در جلسات گروهی، مداوم و دوره‌بهبودی مادام‌العمر است به طوری که تبدیل به یک برنامه زندگی ثابت برای فرد می‌شود، در این صورت جدایی از مذهب و سیاست، مشکل آفرین است و یک زندگی تهی از هرگونه اجتماع محوری، سیاست ورزی و گرایش به

1. It's spiritual, not religious

۲. ر. ک: رابطه دین و سیاست در اسلام (سیاست خارجی، ش ۳، پاییز ۹۰، ص ۷۵۷ تا ۷۸۳) و نسبت دین و سیاست در سیره نبوی (علوم سیاسی، ش ۳۵، پاییز ۸۵، ص ۷۷ تا ۹۶).

مذاهب رقم خواهد خورد که آسیب شناسی آن مجال دیگری می‌طلبد. بنابراین می‌توان عرفان برخاسته از انجمن را عرفان دین‌گریز^۱ و سیاست‌گریز دانست؛ عرفان دین‌گریز به خدا اعتقاد دارد ولی به دین و وحی پایبند نیست. عرفان سیاست‌گریز هم عرفان را با زندگی اجتماعی و دخالت در سیاست، ناسازگار می‌پندارد زیرا سیاست را ملازم با آلودگی و فساد می‌انگارد.

هدف شناسی و تفاوت چارچوب نظری و عملی انجمن

انجمن در این سنت علاوه بر القای پنهان آموزه مسیحیت، با بی‌طرف جلوه دادن خود، به دنبال این است که همه افراد را در انجمن نگه دارد؛ انجمن با استفاده از شعار فرینده «هیچ اعتقادی لازم نیست»^۲ تلاش می‌کند جناح‌ها و گرایش‌های مختلف سیاسی و مذهبی را به سوی انجمن جذب کرده و جمع کند و این از شواهد تکثرگرایی انجمن است.

محتوای کتب انجمن چنین برداشتی را تقویت می‌کند: ورود در جنجال‌های سیاسی، موقعیت انجمن را به خطر می‌اندازد و موضع بی‌طرفی به‌خاطر بقای انجمن است (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۹۲: ۷۳ و ۷۴). معتادان بخصوص در مسائل سیاسی و فرقه‌های مذهبی، با هیچ‌کس هیچ‌گونه مخالفتی ندارند و هیچ‌گونه عقیده‌ای ابراز نمی‌کنند (انجمن الکلی‌های گمنام، ۱۹۹۳: ۲۱۰).

با یک بررسی شفاف‌تر، روشن می‌شود که انجمن با اینکه در این اصل، اعلام بی‌تفاوتی نسبت به مذهب کرده ولی عملاً در بسیاری از مواقع به‌صورت مرموز به نفی مذهب پرداخته و مذهب را یکی از عوامل شکست و ناکامی معرفی می‌کند؛ این در واقع از اهداف پشت پرده انجمن است، اصول روحانی برای کمرنگ کردن نقش دین و مذهب است زیرا از روحانیت دم می‌زند ولی از فرهنگ غنی اسلام برای بهبودی بهره نمی‌برد (نقد و بررسی انجمن‌های دوازده‌گانه قدیمی: ۹۱/۱۰/۲۹)، انجمن به‌طور نامحسوس این باور را به اعضا تلقین می‌کند که دین و مذهب نتوانسته کاری برای ما انجام دهد و از

1. Deism: بدون دین.

2. no beliefs required

آن نتیجه‌ای نگرفته‌ایم؛ صحت این گفته زمانی معلوم می‌گردد که بدانیم تنها درصد اندکی از اعضاء پایبند به آموزه‌ها و آداب و رسوم مذهبی هستند، بنابراین انجمن طبق روش و هدف درمانی خود، ارائه‌کننده معنویت و روحانیتی جدا از دین و مذهب است و معنویت دینی را بی‌ثمر یا محدود و غیر فراگیر می‌پندارد. این جنبش‌ها با شعار بحران معنویت و نجات بشر از اصول اخلاقی مذهبی، بیگانه‌سازی از مذهب را دنبال می‌کنند و چارچوب نظری آن متفاوت از چارچوب عملی است.

انجمن‌ها با این سنت چنین‌القاء می‌کنند که از دین برترند زیرا یک دین، فقط شامل دسته‌ای از افراد است که در عبادتگاه ملاقات می‌کنند ولی معنویت در همه جا هست و فراگیر است (ارانگ، ۲۰۱۱).

آیا با وجود فرهنگ غنی دینی که برای تک‌تک رفتارهایمان برنامه و دستور دارد، باید با انجمن تازه به دوران رسیده‌ای که دم از اصول روحانی می‌زند و معیارهای مشخصی ندارد و گرایش‌های اصیل مذهبی را مورد حمله قرار می‌دهد، دم‌خور بود؟ آموزه‌های بینشی، اخلاقی و رفتاری اسلام، اعم از جهان‌بینی، هدف‌زندگی، صبر، معنویت دینی و انگیزه‌بخشی، اگر به مرحله اجرا درآید نوبت به عرفان‌های دروغین و روش‌های جعلی نمی‌رسد.

۴. اصل گمنامی

۴-۱- تبیین اصل

سنت دوازدهم بیانگر اصل گمنامی است، این سنت عبارت است از: «گمنامی^۱، اساس روحانی و معنوی تمام سنت‌های ما می‌باشد و همیشه یادآور این است که اصول را بر شخصیت‌ها ترجیح دهیم» (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۹۲: ۷۵). این سنت، اصل گمنامی را سرلوحه قوانین و برنامه‌های انجمن معرفی می‌کند البته این سنت از گمنامی در سطح فردی صحبت می‌کند نه از گمنامی انجمن (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۸۳: ۲۰۱).

1. anonymity

گمنامی یکی از عوامل اصلی بهبودی است؛ برابری همه اعضای گروه و تشریک مساعی آنان و تبدیل «من» به «ما» برای درک گمنامی است تا معتادان را از نقایص اخلاقی خود و نفوذ شخصیت‌ها و اختلاف سلیقه‌ها حفاظت کند (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۹۲: ۷۵ و ۷۶).

مقصود از گمنامی و ناشناس بودن، عدم خود رأیی و اولویت دادن به نیازهای دیگران است (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۸۳: ۲۰۶). و به این معناست که تفاوت‌های شخصی ما هیچ تبعیضی در نهایت ایجاد نمی‌کند (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۸۳: ۲۱۱). خمیره روحانی گمنامی، فداکاری و فروتنی است و این چکیده تمام دوازده سنت است (انجمن معتادان جنسی، دوازده سنت).

در جلسات، افراد معمولاً خود را با نام کوچکشان یا نام مستعار معرفی می‌کنند و چیزهایی که در جلسه دیده یا شنیده‌اند را باقی می‌گذارند (انجمن معتادان گمنام الف، بی‌تا: ۲۴ و ۲۸).

افراد به گمنامی دیگران احترام می‌گذارند زیرا شایعه پراکنی ممکن است به لغزش فرد یا به مرگ او منتهی شود (انجمن معتادان گمنام الف، بی‌تا: ۴۷).

معتاد گمنام به این معناست که انجمن، اطلاعاتی از نام و شغل و سمت و ثروت و مقام و مدرک و پیشینه اعضا پیدا نمی‌کند تا هم احساس امنیت و هم فضای یکسانی را برای اعضا ایجاد کند.

انجمن، گمنامی را به همگرایی و مساوات ترجمه می‌کند و صریحاً اخلاق مساوات را در همه حوزه‌های سازمان تجویز می‌کند (Jeffrey, Snyder Daniel, Fessler, 2014: 451). در ارتدوکس انجمن، مساوات و همگرایی ذاتاً با گمنامی پیوند دارند و در واقع، گمنامی، یک اصل معنوی تلقی می‌شود.

ادبیات انجمن با برجسته کردن تضاد بین اراده خود و ناشناس بودن، بیان می‌کند: خودخواهی همچنان ما را به تصمیم‌گیری مبتنی بر دستکاری‌ها، نفس، شهوت و غرور کاذب سوق می‌دهد و فرد به دنبال منافع شخصی در زمینه‌های جنسی، دارایی و اجتماعی است (Jeffrey, Snyder Daniel, Fessler, 2014: 450).

۴-۲- نقد و ارزیابی

۴-۲-۱- مقایسه با آموزه‌های اسلامی همسو

ممکن است گمان شود منظور از این اصل، همان گمنامی و اخلاص مورد سفارش دین اسلام است و خمیره آن، فداکاری و فروتنی است؛ برای نمونه در روایات آمده: «ان فی الخمول لراحة»، در گمنامی، آسایش است (آمدی، ۱۳۶۶: ح ۷۳۶۴)، «أخف شخصک لا تُذکر»، شخصیت خود را مخفی بدار تا از تو یاد نشود (حرانی، ۱۴۰۴: ۲۱۷)، «عزّت السلامة... فإن یکن فی شیء فیوشک أن یكون فی الخمول»، سلامتی کم یاب است، اگر سلامتی در چیزی باشد در گمنامی است (اربلی، ۱۳۸۱: ۱۵۸/۲).

اما در حقیقت، این شعار آرمان‌های اخلاقی بوده و برای جذب حداکثری به انجمن است. ضمناً باید توجه داشت که توصیه به گمنامی، یک اصل عمومی و دائمی در مبانی اجتماعی اسلام نیست.

همچنین در آموزه‌های اسلامی نیز اصول بر شخصیت‌ها مقدم است و ما ملزم به تبعیت از اصول هستیم، برای نمونه حضرت امیر علیه السلام می‌فرماید: «إنک لم تعرف الحق فتعرف من أتاه و لم تعرف الباطل فتعرف من أتاه» (نهج البلاغه، حکمت، ۲۶۲). یعنی شناخت حق و باطل با شناخت اشخاص نیست، حق محوری را با مردم محک نزنید بلکه شناخت اهل حق و باطل وابسته به شناخت خود حق و باطل است.

اما اشکال اصلی اینجاست که این اصول چه اصولی هستند و غرض از آنها چیست؟ آیا اصول مسماً به اصول روحانی که این انجمن با قطع نظر از آموزه‌های اصیل اسلامی، جعل کرده است را می‌توان اصول قابل التزام دانست؟ اصولی که سر تا سر مشحون از اشکال هستند و تضمینی هم برای آثار مترتب بر آنها وجود ندارد.

سر تا سر کتب و نشریات آنها نیز مشحون از عباراتی دال بر این مطلب است از جمله: مسیر روحانی، بیداری روحانی، برنامه روحانی، سلامت روحانی، رشد روحانی، مفهوم روحانی، وجدان روحانی، اصول روحانی، تجربه روحانی و ماهیت روحانی.

تمام اصول روحانی انجمن ماهیتی سازشکارانه دارند (مانند صداقت، تمایل، فروتنی، بخشش، تسلیم، ایمان، اعتماد، شهادت، تعهد، استقامت، خویشن پذیری، صبر، ملاطفت،

عشق، درستکاری، ایثار و خدمت)، و شخصیت فرد را تغییر می‌دهند؛ ظلم ستیزی و جهاد و غیرت و حق طلبی جایی در برنامه‌های انجمن ندارند و حتی نهی شده‌اند لذا در واقع، فطرت انسانی را تضعیف و کمرنگ می‌کنند. این اصول به ظاهر نیک و پسندیده‌اند ولی مصادیق آن در قالب سیاست‌های انجمن فقط ظاهری نیک دارند (نقد و بررسی انجمن‌های دوازده قدمی: ۹۱/۱۱/۲). و به گمراهی روحانی نزدیک‌ترند لذا با اینکه به ادعای خودشان شخصیت فرد و نگرش او را تغییر می‌دهند ولی این تحول منفی است و شخصی بی تفاوت و با ماهیت سازشکارانه تحویل جامعه داده می‌شود که بسیار آسیب زاست.

۴-۲-۲- هدف شناسی

مقصود از گمنامی و ناشناس بودن، عدم خود رأیی و اولویت دادن به نیازهای دیگران است (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۸۳: ۲۰۶). و به این معناست که تفاوت‌های شخصی ما هیچ تبعیضی در نهایت ایجاد نمی‌کند (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۸۳: ۲۱۱)، از این رو می‌توان سنت دوازدهم را زمینه ساز عملی سنت اول (وحدت) دانست (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۸۳: ۱۲۹)، خود محوری مانعی بر سر راه بهبودی است و اغلب منجر به بازگشت می‌شود. گمنامی، خودخواهی^۱ و خود محوری^۲ را از بین می‌برد و حس مشارکت و احترام به حقوق دیگران را زنده می‌کند.

به ادعای انجمن، مساوات گرایی پایه‌ای است که روابط متقابل بر آن استوار است و شرکت کنندگان بهره مند می‌شوند، همچنین رمزگذاری شده به‌عنوان گمنامی است (Jeffrey, Snyder Daniel, Fessler, 2014: 447).

در حقیقت، گمنامی تله‌ای برای جذب افراد بیشتر به انجمن است چون عده‌ای از معتادان یافت می‌شوند که تمایل به قطع مصرف دارند ولی به‌خاطر حفظ آبرو و اسم خود و عدم احساس امنیت، حاضر به شرکت در جلسات درمانی آشکار نمی‌شوند. از این سو برخی این انجمن‌ها را جنبش اجتماعی زیرزمینی^۳ و پنهانی نام نهاده‌اند. در پایان، با توجه به آسیب شناسی برنامه‌های انجمن و عدم تطابق آن با آموزه‌های

1. Self ishness
2. self-centeredness
3. underground social movement

اسلامی، پیشنهاد می‌شود با ورود جدی دستگاه‌های مسئول اجرائی مربوط، باید از گسترش فعالیت و جذب انجمن‌جوگیری شود و از تأیید آن از سوی نهادهای مذهبی و اجتماعی و سیاسی خودداری شود. در مقابل، مرکز اسلامی وسیع جهت درمان معتادان با رویکرد جسمی و روانی تشکیل یابد یا اینکه اقدامی جهت اصلاح زیر ساخت‌های معنوی و حذف اصول آسیب‌زای انجمن و جایگزینی قدم‌ها و سنت‌ها و مفاهیم مطابق با آموزه‌های اسلامی انجام شود. آموزه‌های بینشی، اخلاقی و رفتاری اسلام (اعم از جهان‌بینی، هدف‌زندگی، صبر، معنویت و انگیزش)، چه در مرحله پیشگیری، چه در درمان، در کاهش ابتلا بسیار تأثیر گذار است.

نتیجه‌گیری

۱. ارزیابی تفصیلی چهار اصل اجتماعی مهم از سنت‌ها، نکات ذیل را به‌دست می‌دهد:
 ۱. هیچ‌یک از اصول چهارگانه به‌طور کامل و مطلق، در اصول اجتماعی اسلامی پذیرفته نیست. اصل اتحاد، زمینه‌ساز ذلت‌پذیری و وابستگی دائمی فرد به انجمن می‌شود؛ اصل تمایل به هیچ‌وجه کافی نیست و حتی مخرب است و ماهیت سازشکارانه اش آزادی غیرقانونی و عدم سلامت اجتماعی را به دنبال دارد؛ اصل مسائل بیرونی برخاسته از تکثرگرایی انجمن است و زمینه‌ساز بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی نسبت به مذهب و سیاست می‌باشد؛ اصل گمنامی نمی‌تواند یک ضابطه دائمی تلقی شود و در واقع، زمینه‌ساز تحقق اصل نخست است.
 ۲. مضامین به‌ظاهر دینی و اخلاقی این اصول از جمله مشارکت، فروتنی، اخلاص و گمنامی، شباهت زیادی به آموزه‌های مسیحیت دارد و دارای فاصله بسیاری با حقیقت آموزه‌های اصیل اسلامی است؛ همه این اصول، مفهوم انحراف‌یافته‌ای از آموزه‌های اجتماع‌پذیر یا اجتماع‌گریز اسلام را در بردارند که به شکل قانون گروهی در آمده‌اند و گزینش مفاهیم این چنینی از سوی انجمن‌ها می‌تواند فریبی برای به دام انداختن افراد مذهبی و با ایمان باشد.
 ۳. اهداف نهان دنبال شده در این سنت‌ها عبارتند از: حفظ و بقای گروه و انجمن، جلوگیری از تعارض، اعتراض، مخالفت، موضع‌گیری، پیش‌داوری و خروج

اعضاء، جذب حداکثری افراد با گرایش‌های مختلف، متعصب بارآمدن اعضا، ایجاد وحدت میان آنها و نفی دین و مذهب. ادعای پیام بهبودی، بیداری روحانی و تحول معنای زندگی، هدفی سطحی و پوشالی بوده و پرده‌ای برای پنهان شدن اهداف واقعی انجمن هاست. ۴. انجمن‌های دوازده قدمی گمنام، از جمله عرفان‌های نوظهور و معنویت‌های درمان‌گرایند و با رویکرد سکولاریستی، اومانیستی، پلورالیستی، ماتریالیستی، دئیستی و نئولبرالیستی، به جذب افراد نفوذ پذیر جامعه و القای باورهای غیر دینی و حتی ضد دینی به آنها اشتغال دارند.

کتاب‌نامه

منابع فارسی

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه. تحقیق، صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴.
۳. آمدی، عبدالواحد، تصنیف غرر الحکم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
۴. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱.
۵. انجمن معتادان گمنام، کتاب پایه، معتادان گمنام، مترجم، کمیته ترجمه دفتر خدمات جهانی معتادان گمنام ایران، کیمیا اثر، ۱۳۹۲.
۶. انجمن الکلی‌های گمنام، الکلی‌های گمنام، ترجمه فارسی، نیویورک، انجمن خدمات جهانی الکلی‌های گمنام، ۱۹۹۳.
۷. انجمن معتادان گمنام، عملکرد، دوازده قدم و دوازده سنت، مترجم، کمیته ترجمه دفتر خدمات جهانی معتادان گمنام ایران، ۱۳۸۳.
۸. انجمن معتادان گمنام الف، انجمن‌های گمنام، مجموعه کتاب‌های همراه، نسخه الکترونیکی، بی‌تا.
۹. انجمن معتادان گمنام ب، خانواده معتادان، مجموعه کتاب‌های همراه، نسخه الکترونیکی، بی‌تا.
۱۰. بستانی، احمد، نسبت دین و سیاست در سیره نبوی، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۳۵، ص ۷۷ - ۹۶، پاییز ۱۳۸۵.
۱۱. پایگاه اینترنتی ان ای، «تاریخچه انجمن معتادان گمنام در ایران»، <http://na-iran.org/>.
۱۲. پایگاه اینترنتی برنا نیوز، «معتادان گمنام راهی جهت تحقق رؤیای بهبودی از اعتیاد»، <https://www.borna.news/>.
۱۳. پایگاه اینترنتی انصاف نیوز، «در انجمن معتادان گمنام چه می‌گذرد»، <http://www.ensafnews.com/>.
۱۴. —، «نقد و بررسی انجمن‌های دوازده قدمی»، <http://antibehboodi.blogfa.com/>.

۱۵. پایگاه اینترنتی افسردگان گمنام، «انجمن افسردگان گمنام، کارگاه سنت»، <http://afsordeganesf.mihanblog.com/>
۱۶. پایگاه اینترنتی اس ای، «انجمن معتادان جنسی گمنام»، <http://sa-iran.org/>
۱۷. پایگاه اینترنتی ۱۲ و ۱۲، دوازده قدم و دوازده سنت: ۹۵/۷/۱۲: <http://12and12.blogfa.com/>
۱۸. پایگاه اینترنتی دوازده قدمی‌ها، اصول روحانی، تمایل، ۹۷/۷/۸: <http://12ghadamiha.blog.ir/>
۱۹. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن، ج ۲، قم، اسراء، ۱۳۷۹.
۲۰. حائری، محمدحسن، تجسس، تهران، دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۱.
۲۱. حرّانی، ابن شعبه، تحف العقول. قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۴.
۲۲. حاجی ده آبادی، محمدعلی و صادقی، علی، «بررسی فقهی مبانی و مصادیق رویکرد کاهش آسیب‌های اجتماعی جرم با تاکید بر اعتیاد به مواد مخدر»، فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، سال ۴، ش ۶، بهار ۱۳۹۶.
۲۳. خادم جهرمی، حامده و رئوفی، رحیم و دیگران، «بررسی تطبیقی قدمهای دوازده گانه گروه معتادان گمنام (NA) با اصول و تعالیم اسلامی»، فصلنامه پرستار و پزشک در رزم، سال ۳، ش ۶، بهار ۱۳۹۴.
۲۴. سروش، محمد، مبانی حریم خصوصی. تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان سمت، ۱۳۹۳.
۲۵. شیرینی، عباس، پارادایم‌های عدالت کیفری، عدالت سزادهنده و عدالت ترمیمی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۷۴، ص ۲۱۳ - ۲۴۵، زمستان ۱۳۸۵.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن، الامالی. قم، دارالثقافة، ۱۴۱۴.
۲۷. عنایت، حمید، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب. تهران، زمستان، ۱۳۷۷.
۲۸. علمی، قربان و سبزیان، شمس‌ا، مبانی اخلاق در اسلام و مسیحیت، نامه الهیات، سال ۲، ش ۵، زمستان ۱۳۷۸.
۲۹. علیوردی نیا، اکبر، «اثربخشی برنامه‌های معتادان گمنام در نگرش معتادان به مواد مخدر»، مرکز آموزشی و پژوهشی سوء مصرف و وابستگی به مواد، نسخه الکترونیکی طرح پژوهشی، ۱۳۸۸.
۳۰. قاسمی، محمدعلی، فقه درمان، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار، ۱۳۹۵.
۳۱. کاپلان، هارولد و سادوک، بنیامین، خلاصه روانپزشکی (علوم رفتاری/روانشناسی بالینی)، ترجمه، فرزین رضاعی، تهران، ارجمند، ۲۰۰۷.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، قم، دارالکتب السلامیه، ۱۴۰۷.
۳۳. کیخا، محمدرضا، تحلیل و بررسی مبانی مشروعیت درمان اجباری معتادان، دو فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال ۵۲، ش ۱، ص ۱۶۳ - ۱۸۲، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
۳۴. معظمی، شهلا و پارسا، محمد، «انجمن معتادان گمنام از منظر عدالت ترمیمی»، فصلنامه حقوقی دادگستری، سال ۷۳، ش ۶۸، زمستان ۱۳۸۸.
۳۵. وفاجو، مهدی، آشنایی مبانی فقهی تحقیق و تفحص، قم، نصاب، ۱۳۹۱.
۳۶. هاشمی، سیدضیاء و شعبان، مریم، «انجمن معتادان گمنام و اثربخشی رویکردهای اخلاق محور در بازپروری معتادان»، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال ۷، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.

منابع لاتین

Books :

37. Alcoholics Anonymous, Twelve Steps and Twelve Traditions, New York: Alcoholics Anonymous World Services, 1953.
38. Friedman, G. L, Narcotic Anonymous: promotion of change and growth in spiritual health quality of life and attachment dimensions of avoidance and anxiety in relation to program involvement and time clean, California: Alliant International university, 2006 .
39. Narcotics Anonymous, Narcotics Anonymous World Services, 2010.
40. Wilson, WG, Twelve Steps and Twelve Traditions. New York: Alcoholics Anonymous World Services, 1953 .

Articles :

41. Carricoa, AW. Giffordb, EV. Moos, RH, (2007), Spirituality/religiosity promotes acceptance - based responding and 12 - step Involvement. Drug and Alcohol Dependence, 89, p 66-73 .
42. Connors, G. J. , Tonigan, J. S. , Miller, W. R, (2001), A longitudinal model of AA affiliation, participation, and outcome: retrospective study of the ProjectMATCH outpatient and aftercare samples. Stud. Alcohol, 62, p 817-825 .
43. Greon, L. L, M. T. Fullilove & R. E Fullilve, (1998), stories of spiritual Awakening: The nature of spirituality in Recovery. substance Abuse Treatment, 15, p 335 - 331 .
44. Jeffrey K. Snyder Daniel M. T. Fessler, (2014), Narcotics Anonymous: Anonymity, Admiration, and Prestige in an Egalitarian Community. ETHOS, December, 42, Issue 4, P 440 - 459 .
45. Krentzman, AR. Robinson, EAR. Moore, BC. Kelly, JF. Laudet, AB. White, WL. Zmore, SE. Kurtz, E. Strobbe, S, (2011), How Alcoholics Anonymous (AA) and Narcotics Anonymous (NA) Work: Cross - Disciplinary Perspectives. Alcoholism Treatment Quarterly, 29, p 75-84 .
46. Orange, A, (2011), The Heresy of the Twelve Stepsby, <http://12stepheresy.blogspot.com> .
47. Room, R, (1993), Alcoholics Anonymous as a Social Movement. Barbara S. McCrady and William R. Miller, eds. , Research on Alcoholics Anonymous: Opportunities and Alternatives. New Brunswick, NJ: Rutgers Center of Alcohol Studies, P 167 - 187 .

Websites :

48. "Information about NA", <https://www.na.org/?ID=PR-index>

